

An Examination of Women's Political Participation Before and After the Islamic Revolution with Emphasis on the Twelfth Parliamentary Elections of the Islamic Consultative Assembly

Morteza Alavian 

Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.
(Corresponding Author)

M.alavian@umz.ac.ir

Ali Ghaffari

Master's Student in Political Science, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.

alighaffari@gmail.com

Article Info

Article Type:

Research Article

Received:

2024 / 08 / 26

Revised:

2024 / 09 / 30

Accepted:

2024 / 10 / 06

Published Online:

2024 / 10 / 21

Abstract

This paper examines the role of women in political participation before and after the Islamic Revolution of Iran, with a special focus on their participation in the Twelfth Parliamentary Elections of the Islamic Consultative Assembly (Majles).

The study analyzes the evolving dynamics of women's political participation and representation within the framework of Iran's shifting political landscape. By reviewing historical trends, legal frameworks, and social norms surrounding women's participation in electoral processes, it sheds light on the changing status of women in Iranian politics.

This research explores the challenges, opportunities, and implications of women's political engagement in parliamentary elections and highlights the barriers to entry, gender dynamics, and policy consequences for enhancing women's political empowerment in post-revolutionary Iran.

The central research question is: What role have women played in political participation before and after the Islamic Revolution of Iran?

The answer indicates that after the Revolution, with the establishment of the Islamic Republic based on Islamic principles, Iran's political space underwent significant changes. These changes led to a considerable increase in women's political involvement as both voters and candidates—especially in parliamentary and local council elections.

The research method is descriptive-analytical, and data collection is based on library research. In the theoretical discussion, the concept of political participation is employed as a key analytical lens.

Keywords: Women, Political Participation, Elections, Islamic Consultative Assembly, Islamic Revolution



دوره ۱۱ | شماره ۴۱ | پاییز ۱۴۰۳

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.521042.1414>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

بررسی مشارکت سیاسی زنان در قبل و بعد از انقلاب اسلامی با تأکید بر دوازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی

مرتضی علویان 

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)

M.alavian@umz.ac.ir

علی غفاری

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

alighaffari@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
در این نوشتار نقش زنان در مشارکت سیاسی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران، با تمرکز ویژه بر مشارکت آنان در دوازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی بررسی می‌شود. این پژوهش، پویایی در حال تحول مشارکت سیاسی و نمایندگی زنان را در چهارچوب چشم‌انداز سیاسی در حال تغییر ایران تحلیل نموده و با بررسی روندهای تاریخی، چهارچوب‌های قانونی و هنجارهای اجتماعی پیرامون مشارکت زنان در فرایندهای انتخاباتی، وضعیت در حال تحول زنان در سیاست ایران را روشن می‌کند. این پژوهش چالش‌ها، فرصت‌ها و پیامدهای مشارکت سیاسی زنان در انتخابات شورای اسلامی را بررسی کرده و موانع ورود، پویایی جنسیتی و پیامدهای سیاستی برای افزایش توانمندی سیاسی زنان در ایران پس از انقلاب را برجسته می‌کند. بدین منظور پرسش اصلی پژوهش این است که زنان چه نقشی در مشارکت سیاسی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران داشته‌اند؟ پاسخ آن این است که پس از انقلاب اسلامی، با استقرار جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول اسلامی، فضای سیاسی ایران دستخوش تغییرات چشمگیری شد و این امر باعث افزایش قابل توجه زنان در مشارکت سیاسی به‌عنوان رأی‌دهنده و نماینده در انتخابات، به‌ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات شوراهای شهرها و روستاها شد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است و در بحث نظری آن تلاش شده مفهوم مشارکت سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. کلیدواژه‌ها: زنان، مشارکت سیاسی، انتخابات، مجلس شورای اسلامی، انقلاب اسلامی.	نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰ صفحات: ۵۳-۷۸

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نقطه عطفی در چشم‌انداز سیاسی و اجتماعی ایران ایجاد کرد که پیامدهای عمیقی بر حقوق زنان و مشارکت آن‌ها در عرصه عمومی داشت. قبل از انقلاب، زنان ایرانی مشارکت چندانی در عرصه گوناگون سیاسی - اجتماعی را نداشتند. باین‌حال، با استقرار جمهوری اسلامی، تغییرات قابل توجهی در وضعیت و حقوق زنان در ایران به وجود آمد. پس از انقلاب اسلامی و در عرصه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی، حضور گسترده زنان شهرها و روستاها را شاهد هستیم.

از شروط لازم برای دستیابی به توسعه سیاسی پایدار، استفاده از تمام امکانات انسانی موجود در کشورهاست و میزان توسعه در هر کشور، رابطه مستقیمی با میزان بهره‌گیری از نیروهای بالفعل و بالقوه انسانی آن کشور دارد. بر این مبنا، لزوم مشارکت سیاسی زنان به عنوان نیمی از شهروندان هر جامعه، برای رسیدن به توسعه پایدار ضروری است و این مسئله میسر نمی‌شود، مگر با به رسمیت شناختن حق برابر زنان و مردان در مشارکت سیاسی هر کشور.

تحقق عدالت اجتماعی از مهم‌ترین مؤلفه‌های یک کشور دموکراتیک محسوب می‌شود؛ اما این موضوع زمانی به وقوع می‌پیوندد که زنان و مردان به صورت مساوی از فرصت‌ها و امکانات در تمام عرصه‌های سیاسی - اجتماعی جامعه برخوردار باشند. حضور و نقش فعال زنان به عنوان شهروندان در فرایندهای سیاسی را می‌توان از معیارهای عدالت اجتماعی تلقی کرد (ثاقب، ۱۴۰۰، ص. ۱۳). حساسیت زنان هر جامعه نسبت به مسائل سیاسی - اجتماعی کشور خود، موجب می‌شود تا نسل‌های بعدی، نسبت به مسائل و مشکلات موجود در جامعه خویش متعهد و حساس باشند. در مقابل، عدم مشارکت زنان در امور سیاسی - اجتماعی، منجر به گسترش بی تفاوتی و نبود حس سیاسی - اجتماعی می‌شود که این بی تفاوتی، آثار بسیار منفی برای جامعه خواهد داشت.

حضور بانوان در عرصه‌های سیاسی و تصمیم‌گیری حکومتی، می‌تواند پشتوانه‌ای مناسب برای حضور آن‌ها در سایر عرصه‌های مشارکت‌جویانه تلقی شود. صرفاً اعطای حق رأی به زنان، منجر به شهروندی کامل آن‌ها نمی‌شود، بلکه می‌بایست با تأمین بسترهای مناسب، مشارکت سیاسی آن‌ها را افزایش داد. در طول تاریخ، وجود فرهنگ مردسالار در جوامع، با تقسیم کار و محول نمودن انجام امور خانه‌داری به زنان، فرصت مشارکت سیاسی و حضور

آن‌ها در اجتماع را از آن‌ها سلب کرده است. منزوی کردن زنان در خانه، نمونه‌هایی از این فرهنگ مردسالار است که نتایج زیان‌باری در جوامع انسانی به دنبال خواهد داشت (گلایی و حاجیلو، ۱۳۹۱، ص. ۳۲).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زنان از نقش‌های خانگی به عرصه ایفای نقش‌های گوناگون اجتماعی راه یافتند. ایران یکی از کشورهای در حال توسعه است که برای دستیابی به توسعه سیاسی خود، باید زمینه‌های مشارکت سیاسی شهروندان خود، به‌ویژه زنان را بیش‌ازپیش ارتقا دهد و موانع حضور آن‌ها را در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی جامعه را رفع نماید. هرچند حضور زنان در مقاطعی مانند انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی ایران و عراق، بسیار جدی و در دوره‌هایی ضعیف و کم‌رنگ شده است؛ ولی در مجموع، حضور زنان در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران و نقش فعال و پویای آن‌ها امری انکارناپذیر است. مقاله حاضر قصد دارد با توجه به موضوع مشارکت سیاسی زنان، به این پرسش اصلی پاسخ دهد که زنان چه نقشی در مشارکت سیاسی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران داشته‌اند؟

در پاسخ خواهیم گفت که پس از انقلاب اسلامی، با استقرار جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول اسلامی، فضای سیاسی ایران دستخوش تغییرات چشمگیری شد و شاهد افزایش قابل توجه زنان در مشارکت سیاسی به‌عنوان رأی‌دهنده و نماینده در انتخابات، به‌ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات شوراهای شهرها و روستاها هستیم. همچنین با توجه به مشارکت گسترده زنان ایرانی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در دوره‌های گذشته، این پژوهش با تأکید بر دوازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی، مسائل مربوط به مشارکت سیاسی زنان در این دوره را واکاوی می‌کند.

از مطالعات صورت گرفته در این زمینه می‌توان به این کتاب‌ها و مقاله اشاره کرد: مشارکت سیاسی زنان نوشته نسرین مصفا و کتاب حدود مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام نوشته محمدمهدی شمس‌الدین اشاره کرد. تأملی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان قبل و بعد از انقلاب اسلامی نوشته عباس فاطمی و «مقایسه تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در دوران مشروطیت، پهلوی و جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۳) اثر مسعود کاوه تلاوکی و دیگران، از جمله این پژوهش‌هاست.

چهارچوب نظری، مشارکت سیاسی

مشارکت، از لحاظ لغوی به معنای شرکت داشتن یا درگیر بودن است (نظری و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۳). مشارکت سیاسی به معنای فرصت پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی و از شروط لازم دموکراسی است (شریعتی، ۱۳۹۹، ص. ۷۹). مشارکت سیاسی یکی از ابعاد توسعه سیاسی است. در جریان نوسازی جوامع، بحران مشارکت یکی از بحران‌هاست که با حل آن، شرایط مناسبی برای مشارکت عمومی در امور حکومتی فراهم می‌شود. با توجه به اینکه توسعه سیاسی در گرو مشارکت عمومی است، علاوه بر مردان، زنان هم به‌عنوان نیمی از جمعیت جامعه برای تکمیل دموکراسی در جوامع در صحنه‌های سیاسی حضور خواهند یافت (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۱، صص. ۹۱-۹۲).

نظام سیاسی توسعه یافته زمانی برقرار می‌شود که ۱. گروه‌ها و نیروهای اجتماعی گوناگون بتوانند به علایق و منافع خود از نظر سیاسی سازمان دهند؛ ۲. درون ساختار سیاسی، نهادهای گوناگونی توسعه یابد و حکومت بر اساس پیچیدگی و گستردگی نهادهای سیاسی بتواند به تلفیق علایق و منافع گوناگون پردازد؛ ۳. درون نهادهای سیاسی مستقر، مجال مشارکت و رقابت سیاسی مستمر و مسالمت‌آمیز وجود داشته باشد؛ ۴. مجموعه ساختارها و فرایندهای بالا استمرار و مشروعیت گسترده‌ای داشته و به‌صورت قانونی نهادینه شده باشد. از میان ویژگی‌های ذکر شده، وجود رقابت سیاسی و ایدئولوژیک و مشارکت سازمان‌یافته، نهادمند و گسترده از ویژگی‌های اصلی نظام سیاسی توسعه یافته به شمار می‌روند (بشیریه، ۱۳۷۸، صص. ۲-۳).

دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی، نظریه‌های گوناگونی درباره مشارکت سیاسی مطرح کرده‌اند که به‌طور کلی در سه دسته ساختارگرا، اجتماعی-اقتصادی و روان‌شناختی طبقه‌بندی می‌شوند. نظریه‌های ساختارگرا، معمولاً ساختار سیاسی کلان جامعه را عامل مهم و اثرگذار در مشارکت سیاسی می‌دانند. همچنین علاوه بر ضرورت نهادمندی سیاسی و وجود نهادهای سیاسی دموکراتیک، بر وجود جامعه مدنی پویا تأکید می‌کنند که رابطه بین دولت و مردم را به‌نوعی تنظیم کند که دولت نتواند بر حقوق سیاسی مردم تعدی کرده و آزادی‌های سیاسی را مخدوش نماید. دسته دیگر هم نظریات اجتماعی-اقتصادی هستند که بر اساس آن‌ها موقعیت و وضعیت اجتماعی و اقتصادی افراد مانند جنسیت، سن، تحصیل، شغل، درآمد و طبقه در فعالیت‌های سیاسی آنان تأثیر می‌گذارد؛ اما دسته سوم، نظریات روان‌شناختی مشارکت سیاسی

هستند که عوامل گوناگون ذهنی و فرهنگی را در مشارکت سیاسی مؤثر می‌دانند. نظریات اجتماعی شدن سیاسی، اثربخشی سیاسی، فایده‌مندی و شهروند سیاسی از جمله این نظریات هستند (پناهی و بنی‌فاطمه، ۱۳۹۴، صص. ۴۳-۴۰).

رواج مفهوم مشارکت سیاسی از مفاهیم اصلی در حوزه سیاست محسوب می‌شود و به پس از فروپاشی حاکمیت نظام کلیسایی و پیدایش نظریه قرارداد اجتماعی و تأکید اندیشمندان دوره روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود بازمی‌گردد. از نظر مایرون وینر، مشارکت سیاسی، یعنی هر عمل داوطلبانه‌ای برای تأثیر بر انتخاب رهبران، سیاست و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت ملی یا محلی (قوام، ۱۳۹۳، ص. ۱۰). مشارکت سیاسی دو سر دارد: در یک طرف نظام سیاسی و در طرف دیگر شهروندان قرار دارند و دولت و جامعه بر هم اثر متقابل دارند (پناهی و کامل‌قالیاف، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۴).

انواع شاخص‌های مشارکت سیاسی در پنج مورد بیان می‌شود: ۱. رأی دادن و مشارکت در انتخابات سیاسی و اجتماعی؛ ۲. آزادی بیان و مشارکت در تشکلهای فعال سیاسی و نقد و ارزیابی عملکرد نهادها، مسئولان و ساختار حکومتی؛ ۳. نامزد پست‌ها و کرسی‌های سیاسی شدن و فعالیت آزاد انتخاباتی؛ ۴. دخالت و مشارکت در تغییرات و اصلاحات درون ساختاری؛ ۵. اقدامات برای تغییرات اساسی نهادها و ساختارهای نظام حکومتی (قاسمی و معالی، ۱۴۰۳، ص. ۱۲۸).

بنا بر تعریف دانشنامه علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی عبارت است از: «آن دسته از فعالیت‌های داوطلبانه‌ای که اعضای جامعه در انتخاب حکام به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند». برای مشارکت سیاسی شاخص‌هایی وجود دارد که عبارتند از: ۱. دارای پست سیاسی یا اجرایی؛ ۲. خواهان پست سیاسی یا اجرایی؛ ۳. عضو فعال سازمان سیاسی یا اجرایی؛ ۴. عضو فعال سازمان شبه سیاسی؛ ۵. عضو غیرفعال سازمان سیاسی یا اجرایی. ۶. عضو غیرفعال سازمان شبه سیاسی؛ ۷. شرکت در مباحث سیاسی غیررسمی. ۸. علاقه‌مندی به شرکت در امور سیاسی و ۹. رأی دادن (عباس‌نیا و مصفا، ۱۳۹۰، صص. ۳-۴). مشارکت سیاسی در هر جامعه‌ای تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و باورهای مذهبی آن جامعه شکل خاصی به خود می‌گیرد که ممکن است خودجوش یا برانگیخته باشد (چابکی، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۱).

مشارکت سیاسی زنان در دو سطح توده و نخبگان قابل بررسی است. در سطح توده، مشارکت سیاسی زنان شامل حق رأی، حق شرکت در گروه‌ها، انجمن‌ها و سایر فعالیت‌های سیاسی در سطوح مختلف اعم از دانش‌آموزی، دانشجویی و کارمندی و در سطح نخبگان، شامل عضویت در مجالس قانون‌گذاری، مشارکت در سطوح بالای تصمیم‌گیری دولتی و مدیریت‌های کلان جامعه است (جعفری و قربان‌نیا، ۱۳۸۸، صص. ۱۳۳-۱۳۲).

درباره مشارکت سیاسی زنان دو دیدگاه حقوق بشری و توسعه‌ای وجود دارد: در دیدگاه حقوق بشری، یونسکو با اتخاذ دیدگاه حقوق بشری به مشارکت سیاسی زنان می‌پردازد و بر مبنای آن، مشارکت مردم در نهادها و نظام حاکم بر زندگی‌شان از اصول حقوق بشر است و برای صف‌آرایی مجدد، قدرت سیاسی در جهت منافع گروه‌های محروم و در راه توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ضروری است؛ اما نگاه توسعه‌ای به مشارکت سیاسی زنان بر این اصل استوار است که توسعه واقعی تحقق نمی‌یابد، مگر با مشارکت گروه‌های مختلف مردم از جمله زنان. اتخاذکنندگان این دیدگاه، به‌عنوان برنامه‌ریزان توسعه و مروجین نگاه جنسیتی در برنامه‌ریزی و بهره‌وران توسعه شناخته می‌شوند و برای تحقق هر دو هدف خود به مشارکت سیاسی زنان، نیاز دارند (ماشینی، ۱۳۸۶، ص. ۶۷). از نظر سیاسی، مشارکت مردم در سرنوشت خود منجر به رشد و تقویت اقتدار ملی و وحدت ملی می‌شود و چون در نظام مشارکت‌جو، از تمام ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و استعداد‌های مردم استفاده می‌شود، فاصله طبقاتی و مشکلات دولت - ملت کاهش خواهد یافت.

در فرایند مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان، توجه به چند نکته ضروری است: ۱. زنان نسبت به مقام، موقعیت و شئون اجتماعی خود آگاهی پیدا می‌کنند؛ ۲. برای خود در نظام سیاسی - اجتماعی نقش قائل بوده و خود را عضو فعال جامعه تلقی می‌نمایند؛ ۳. مشارکت سیاسی زنان به معنای واقعی کلمه ظاهر می‌شود که خودجوش، رقابت‌آمیز، سازمان‌یافته و مبتنی بر مطلوبیت‌های خاص زنان باشد؛ ۴. زنان نسبت به اجتماع برحسب وظیفه، احساس مسئولیت می‌کنند؛ ۵. شرایط لازم برای حضور آگاهانه و فعال در صحنه‌های مختلف را کسب می‌نمایند (خراسانی پاریزی و یوسفی بزنجان، ۱۳۹۵، صص. ۷۱-۶۹). به نظر می‌رسد رغبت زنان به حضور در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی، یک پدیده جهانی و متأثر از فرایندهای جهانی شدن است (خواجانه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۶، ص. ۴۸). به‌طور کلی، مشارکت سیاسی زنان

مقدمه‌ای برای تقویت فرایند اخذ تصمیم‌گیری و راهی به‌سوی همبستگی بیشتر جامعه و تغییر در کیفیت زندگی عمومی اجتماع است (امینی و خسروی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۲).

در تحلیل مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان، می‌بایست این واقعه را در چهارچوب مشارکت سیاسی در نظر گرفت. اکنون باید مشارکت سیاسی زنان در قبل و بعد از انقلاب بررسی شود. همچنین به حضور زنان در دوازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز پرداخته خواهد شد.

مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان قبل از انقلاب اسلامی

زنان در انقلاب مشروطه، فعالانه شرکت کردند و با تشویق روحانیت علیه قدرت‌های خارجی به مبارزه برخاستند. انقلاب مشروطه، فرصتی برای زنان ایجاد کرد که مشارکت سیاسی را تجربه کنند. بعدها - به‌ویژه پس از سال ۱۲۸۵ - زنان توانستند سازمان‌های خاص خود را شکل دهند و مستقل‌تر عمل کنند (بشیری، ۱۳۹۷، ص. ۲۸۹). نحوه مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان پس از انقلاب مشروطیت همان شیوه‌ای بود که مردان انتخاب کرده بودند: ۱. ایجاد انجمن‌ها؛ ۲. انتشار روزنامه و مجله؛ ۳. تأسیس مدارس.

پس‌ازاین جنبش‌ها، اولین مدارس دخترانه و سازمان‌های زنانه شکل گرفت و ایجاد شد. زنان پس از مشروطیت حضور چشمگیری در عرصه‌های گوناگون داشتند و اولین روزنامه زنان با نام دانش منتشر شد؛ اما فقط زنان شهری از این موقعیت برخوردار بودند و زنان روستایی نتوانستند در جامعه، مشارکت سیاسی داشته باشند (کاوه تلاوکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۶).

در دوره پهلوی و نخست‌وزیری مصدق، زنان بیشتر به‌عنوان اعضای احزاب ملی یا چپ مشارکت سیاسی داشتند؛ اما بعد از این دوره فعالیت سیاسی زنان کاهش یافت. با سیاست‌های اتخاذ شده از سوی حکومت پهلوی به‌ویژه از سال ۱۳۴۲ به بعد، دولت وقت سعی کرد سازمان‌های زنان را همگون‌سازی کند و چتری سازمان یافته با حمایت حکومت پهلوی ایجاد شد. خودداری از صدور مجوز برای تأسیس احزاب مستقل، راهی برای جلوگیری از فعالیت گروه‌های مخالف بود. در این دوره، تحت عنوان انقلاب سفید اصلاحاتی در قانون انجام گرفت که اصلاح قانون انتخابات یکی از اصول آن بود و بر مبنای آن، به‌طور رسمی به زنان حق رأی اعطا شد. در سال ۱۳۴۲، در میان نمایندگان مجلس شورای ملی از بین ۱۹۷ مرد، ۶

نفر زن بودند. در سال ۱۳۵۰ از ۲۷۰ نماینده، ۲ نفر نماینده زن در مجلس حضور یافتند. در سال ۱۳۵۴ در میان نمایندگان، ۱ وزیر زن و ۳ نفر معاون وزیر بودند. مشارکت سیاسی زنان در دوره پهلوی نشان می‌دهد که حضور زنان در مجلس، نمادین و صوری بود و آن‌ها مصدر فعالیت مستقلی در جامعه آن دوره نشدند. نمایندگان زن همچون نمایندگان مرد در دوره پهلوی، وابسته به حاکمیت پهلوی بودند (علم و دیگران، ۱۳۹۰، صص. ۱۰۵-۱۰۴).

با بررسی شاخص‌های مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان قبل از انقلاب - شامل آموزش و سطح سواد، اشتغال و مشارکت زنان در انتخابات - به این نکته می‌رسیم که این شاخص‌ها در دوره پهلوی بسیار پایین بوده است. حکومت پهلوی با هدف مدرنیزاسیون و توسعه برون‌زا، اقداماتی در زمینه آموزش انجام داد؛ اما افزایش سطح بی‌سوادی نشان می‌دهد که در این زمینه موفق عمل نکرده است.

ماهیت وابسته حکومت پهلوی و متکی به کشورهای غربی موجب شد که حکومت در زمینه آموزش و سطح سواد زنان موفق نباشد که دلیل آن، ناسازگاری فرهنگی حکومت پهلوی با ارزش‌های موجود در جامعه بود. برنامه اصلاحات ارضی منجر به بیکاری تعداد زیادی از زنان در روستاها شد. مسائل فرهنگی و عدم تطابق با فرهنگ بومی ایرانی در شهرها باعث شد که تعداد بالایی از زنان در شهرها تمایلی به اشتغال نداشته باشند. همچنین ماهیت وابسته فرایند صنعتی شدن در دوره پهلوی به بروز مشکلات گوناگونی انجامید که به نوبه خود بر اشتغال زنان، تأثیر منفی گذاشت. در زمینه میزان مشارکت سیاسی مردمی، توجه به این نکته ضروری است که رژیم پهلوی منتخب مردم نبود؛ ولی جمهوری اسلامی ایران با رأی اکثریت مردم به روی کار آمده و یک دولت مردمی است. مشارکت سیاسی زنان قبل از انقلاب، بسیار کمتر از مشارکت در بعد از انقلاب است (فاطمی، ۱۳۸۴، صص. ۱۵۵-۱۴۱).

مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان بعد از انقلاب اسلامی

مشارکت سیاسی زنان بعد از انقلاب اسلامی را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد: ۱. مشارکت بسیجی که با شاخص‌هایی مانند شرکت در راهپیمایی و بسیج شناخته می‌شود. ۲. مشارکت سنتی که در شاخص‌هایی چون پشتیبانی از رزمندگان و اهدای کمک‌های مالی به جبهه قرار دارد. ۳. مشارکت مدرن که در شاخص‌هایی چون شرکت در انتخابات، عضویت در قوه

مجریه، قضاییه و نهادهای سیاسی مؤثر در جامعه نمایان می‌شود (عابدی اردکانی و عظیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۸).

در خصوص تجربه‌های عملی زنان پس از انقلاب اسلامی، می‌توان به حضور فعال آنان در فرایند انقلاب و جنگ تحمیلی اشاره کرد. مشارکت زنان در فرایند انقلاب در شکل وسیع توده‌ای، جزئی از فرهنگ سیاسی حال حاضر زنان است. میلیون‌ها زن ایرانی از قشرهای گوناگون، پا به محیط عمومی گذاشتند. تجربه‌های عملی آن‌ها در فرایند انقلاب عبارتند از: ۱. بخش اخبار و اطلاعیه‌ها؛ ۲. انجام برخی اعمال انسان‌دوستانه مثل کمک به مجروحان و پناه دادن به انقلابیون؛ ۳. شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات؛ ۴. شرکت در مبارزه نظامی و ساختن موانع؛ ۵. شرکت در جلسات سیاسی، سخنرانی‌های مربوط به انقلاب.

در جریان انقلاب شاهد حضور زنانی هستیم که تا پیش از آن از حصار خانواده فراتر نرفته و شرکت در اجتماعات را جزو وظایف خود نمی‌دانستند. همچنین وقوع جنگ تحمیلی، تجربه دیگری برای زنان ایرانی رقم زد که موجب شد آن‌ها در عرصه سیاسی - اجتماعی ایران حضور یابند. جلوه‌های حضور آنان در جنگ تحمیلی عبارت است از: ۱. شرکت در بسیج نظامی و اجتماعی؛ ۲. شرکت در ستاد پشتیبانی جنگ (کمک‌های مالی و معنوی)؛ ۳. حمایت معنوی از اعزام مردان به جبهه‌های جنگ؛ ۴. مهاجرت از مناطق جنگی و تجربه دیگر محیط‌های اجتماعی. درمجموع شرکت زنان در فرایند انقلاب و جنگ، به قدرت زنان در درون خانواده کمک کرد و زمینه‌ساز حضور گسترده آنان در مشارکت سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب گردید (مصفا، ۱۳۷۵، صص. ۱۲۷-۱۲۶).

مشارکت سیاسی زنان در مجلس شورای اسلامی بعد از انقلاب اسلامی ایران قابل توجه است. طبق آمار داوطلبان هفت دوره مجلس شورای اسلامی، تعداد داوطلبان زن از دوره اول تا هفتم از ۶۶ نفر به ۸۲۸ نفر رسیده، یعنی حدود ۱۲ برابر شده است. همچنین تعداد منتخبین زن هفت دوره مجلس طی دوره‌های مذکور ۳ برابر شده و مشارکت سیاسی زنان به عنوان نماینده مجلس و نماینده شوراهای شهر و روستا افزایش داشته است. همچنین نرخ رشد درصد مدیران، قانون‌گذاران و کارکنان عالی‌رتبه زن طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ تغییرات چشمگیری داشته است. نرخ رشد در این زمینه برای مردان حدود ۳۸۰ درصد و برای زنان ۲۱۷۲ درصد بوده است. همچنین تعداد سازمان‌های غیردولتی زنان تا قبل از سال ۱۳۷۵، حدود

۵۵ سازمان بوده است و طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ حدود ۶۱۶ سازمان است که رشد ۷۷۵ درصد را نشان می‌دهد (فوزی، ۱۳۸۷، ص. ۵۵).

بررسی شاخص‌های مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان بعد از انقلاب - شامل آموزش و سطح سواد، اشتغال و مشارکت زنان در انتخابات نشان می‌دهد که این آمار نسبت به دوره پهلوی افزایش داشته است. سیاست‌ها و استراتژی‌های نظام آموزشی کشور به سمت افزایش تحصیل بانوان، تغییر محتوای آموزش و جهت‌گیری نظام آموزشی به سمت بازار کار تغییر کرد. اعمال سیاست‌های حمایتی دولت در زمینه آموزش و توجه ویژه به آن در برنامه‌های اول و دوم توسعه، سبب افزایش تحصیلات دختران به‌خصوص در سطح کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌ها شد. در زمینه اشتغال زنان، سیاست‌های دولت در ایجاد سازمان فنی و حرفه‌ای باعث ورود زنان به بازار کار شد. در زمینه مشارکت سیاسی مردم، زنان - نیمی از جمعیت - به‌عنوان رأی دهنده و کاندیدا نسبت به دوره پهلوی، استقبال گسترده‌ای از انتخابات کردند (فاطمی، ۱۳۸۴، صص. ۱۹۵-۱۷۳).

تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در خصوص وضعیت زنان ایجاب می‌کند که زنان ضمن حفظ پیوندهایی که با کل جریانات سیاسی ایران دارند، به‌طور انتزاعی حقوق خود را مطالبه کرده و به ایجاد تشکل‌ها و سازمان‌های مستقل برای خود در جهت دستیابی به مناصب بالاتر سیاسی اقدام کنند (کار، ۱۳۷۹، ص. ۷۱). در ایران امروز، احراز مناصب بالای دولتی مانند وزارت، معاونت وزارت و مدیریت در تمام سطوح مشروعیت دارد و جمعی از فقها پیرامون این موضوع اتفاق نظر دارند. بنابراین برای مشارکت سیاسی زنان نمی‌توان مانع شرعی ایجاد کرد؛ ولی عامل عمده‌ای که زنان را همواره دور از مسندهای سیاسی قرار داده است، سلیقه‌های فردی و مردسالاری است که رنگ دینی پیدا کرده و اهرم‌های حکومتی را در انحصار گرفته است (کار، ۱۳۷۸، ص. ۲۳۷).

جایگاه زن در اسلام

با بررسی آیات قرآن کریم به این نکته پی می‌بریم که نگاه اسلام به زن و مرد نگاهی برابری است. خداوند در قرآن کریم در آیه ۱ سوره نسا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي

تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا: «ای مردم! از [مخالفت] پروردگارتان پرهیزید. همان کسی که [همه] شما را از یک انسان آفرید و همسر او را [نیز] از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی [در روی زمین] منتشر ساخت؛ و از خدایی پرهیزید که هرگاه چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید و [نیز] از [قطع رابطه با] خویشاوندان [پرهیز کنید]؛ زیرا خداوند، مراقب شماست». در آیه ۷۰ سوره اسرا به کرامت فرزندان آدم اشاره شده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»: «ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آن‌ها را در صحرا و دریا، [بر مرکب‌های راهوار] سوار کردیم و از نعمت‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم». آیات قرآن بیانگر صلاحیت و شایستگی و مشارکت سیاسی زنان در عرصه‌های گوناگون حکومت است. در این زمینه می‌توان به آیات ۲۳ تا ۴۴ سوره نمل اشاره کرد که خداوند از ملکه سبأ به‌عنوان زنی هوشمند و با درایت سخن می‌گوید (حسینی، ۱۳۸۰، صص. ۱۷۱-۱۷۰).

زنان صدر اسلام با تحمل شکنجه‌ها، یاری رزمندگان و در صورت ضرورت شرکت در نبردها در دعوت پیامبر^(ص) نقش مثبتی ایفا نمودند. وجود شخصیت‌های زن در صدر اسلام و مشارکت سیاسی آن‌ها می‌تواند الگویی برای زنان مسلمان باشد. با نگاه به سیره نبوی پیامبر^(ص) به حضور زنان در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی پی خواهیم برد. ام‌المؤمنین، بانو خدیجه کبری^(س)، ام‌سلمه، حضرت زهرا^(س) و حضرت زینب^(س) از نمونه‌های شاخص زنان مسلمان در صدر اسلام هستند.

برخی از فقها به‌طور مطلق، صلاحیت شرعی زن را برای فعالیت سیاسی رد می‌کنند و شماری هم آن را مجاز می‌دانند؛ ولی همگی فقها در عدم صلاحیت زنان برای ریاست حکومت اتفاق نظر دارند.

مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان از دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب و برقراری نظام اسلامی، امام خمینی با تشریح جایگاه زنان در تاریخ اسلام به‌ویژه در نهضت‌های اجتماعی و سیاسی ایران، تأکید کردند که زنان در جامعه و نظام اسلامی در همه شئون سیاسی اجتماعی دارای جایگاهی برابر و گاه، بالاتر از مردان هستند.

رویکرد ایشان در این حوزه مانند همه موضوع‌ها ناظر بر حفظ احکام اسلامی و شرعی بود. امام در دوره پیش از انقلاب اسلامی با مشارکت سیاسی زنان به دلیل شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر کشور، به دلیل نتایج مفسده انگیز آن در دو وجه شرعی و قانونی مخالف بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم نه تنها با این امر مخالفتی نداشتند، بلکه بارها بر جنبه تکلیف بودن آن اصرار ورزیدند. براین اساس، مشارکت سیاسی زنان در همه امور سیاسی و اجتماعی مجاز بوده و نیز هرگونه مشارکت و فعالیت زنان بسته به نتیجه و انطباق آن با احکام اسلامی است.

سیره عملی و رویکرد نظری امام خمینی از مهر و موم‌ها پیش از انقلاب نشان می‌دهد که ایشان به موضوع مشارکت سیاسی زنان توجه ویژه‌ای داشتند. حساسیت‌ها و جدیت‌های ایشان در این حوزه بیانگر آن است که از همان ابتدای طرح مباحث برابری حقوق زنان و مردان در دوران رژیم پهلوی، با تمام توان، به گونه فردی و با همکاری سایر علما برای مقابله با برنامه‌های غربی سازی جامعه ایران به وسیله رژیم شاه وارد این عرصه شده‌اند.

امام خمینی در این زمینه با نامه‌نگاری به شاه و نخست‌وزیر، مراتب اعتراض و مخالفت شدید خود را با این سیاست به صورت رسمی اعلام کردند. تا این زمان، امام تنها بر جنبه نفی گرایانه موضوع تأکید می‌کرد؛ اما با تشدید مبارزه با شاه و ناامیدی از اصلاح حکومت، جنبه دیگری از این موضوع را در مورد لزوم مشارکت جدی زنان در فعالیت‌های مقابله جویانه و مبارزه طلبانه با رژیم شاه و همدوش با مردان را مطرح کردند (کولایی و قدیگی، ۱۳۹۷).

امام خمینی در زمینه مشارکت زنان در جامعه می‌گوید: «در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به صورت یک شیء. نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین ببینند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۱۴).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برقراری جمهوری اسلامی، ایشان ابتدا با تشریح جایگاه زنان در تاریخ اسلام به ویژه در نهضت‌های اجتماعی و سیاسی ایران، تأکید کرد که زنان در جامعه و نظام اسلامی در همه شئون سیاسی- اجتماعی جایگاهی برابر و گاه بالاتر از مردان دارند. تنها تفاوتی که امام در این حوزه بین زن و مرد قائل بود، نابرابری‌های آنان در نگاه اسلام و خلقت بود که آن را نیز ناگزیر از تفاوت‌های جسمی و روحی زنان و مردان

می‌دانست. افزون بر این رویکرد، ایشان در این زمینه، مانند همه موضوع‌ها، ناظر بر حفظ و رعایت احکام اسلامی و شرعی بود. دیدگاه امام در حوزه مشارکت سیاسی زنان بر دو قضیه استوار است: ابتدا اینکه زنان در همه امور سیاسی و اجتماعی مجاز به فعالیت بوده‌اند (در حد الزام و تکلیف). دوم اینکه هرگونه مشارکت و فعالیت زنان بسته به نتیجه آن و انطباق آن با احکام اسلامی است. بنابر همین دیدگاه و رویکرد، امام در دوران پیش از انقلاب با مشارکت سیاسی زنان به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه مخالفت داشت؛ ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نه تنها با آن مخالفت نداشت، بلکه بر جنبه تکلیفی بودن آن اصرار نیز داشت (کولایی و قدیگی، ۱۳۹۷).

امام یکی از مهم‌ترین ضوابط نظام سیاسی را اتکا به آرای عمومی به شمار آورده است و در این زمینه می‌گوید: «ما از خودتان رأی می‌خواهیم. ما اگر چنانچه هیچ هم و کیل نگیریم، شما هستید میزان» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص. ۱۷۴).

ایشان با اشاره به اینکه مردم دارای حق انتخاب حاکمان و کارگزاران سیاسی خود هستند، بر این نکته تأکید دارد که کسی یا گروهی حق تحمیل رأی خود را به دیگران ندارد:

مردم در سراسر کشور در انتخاب فرد مورد نظر خود آزادند؛ و احدی حق تحمیل خود یا کاندیداهای گروه یا گروه‌ها را ندارد. هیچ مقامی و حزبی و گروهی و شخصی حق ندارد به دیگران که مخالف نظرشان هستند توهین کنند، یا خدای نخواستہ افشاگری نمایند؛ گرچه همه حق تبلیغات صحیح برای خود یا کاندیداهای خود یا دیگران را دارند، و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری از این حق نماید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص. ۳۳۷).

درباره ورود زنان به عرصه سیاسی جامعه می‌گوید:

این از برکات نهضت است که شما بانوان ساحلی را و سایر بانوان محترم ایران را در مسائل روز، در مسائل سیاسی، وارد کرده است. دسته‌ای جنایتکار، که مظهرش دست محمدرضا و پدر او بود، همه قشرهای ملت را از امور اجتماعی و سیاسی کنار گذاشته بود. مسائل سیاسی در پیش بانوان اصلاً مطرح نبود؛ و پیش برادرها هم مطرح نبود. یا اگر بعضی مطرح می‌کردند، روی همان جریان سیاست چپاولگری بود. اگر بعض قشرهای به اصطلاح «سیاسی» هم در آن وقت در مسائل سیاسی وارد می‌شده‌اند، آن سیاست‌های دیکته کرده از غرب برای

چپاول کردن شرق بود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص. ۳۸۳)

[زن‌ها] حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص. ۴۳۶). «خانم‌ها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص. ۱۹۳)

همان‌طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، سن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. سن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است، که بحمد الله امروز در ایران جاری است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، صص. ۴۰۴-۴۰۳)

دیدگاه مقام معظم رهبری نسبت به انتخابات و مشارکت سیاسی مردم توجه به سه نکته اساسی، یعنی انتخاب مردم، نامزدهای انتخابات و ارتباط نامزدها با مردم تأکید دارد. مردم، محور اصلی حرکت جامعه و تضمین کننده موفقیت و رشد هر جامعه هستند. در نگاه ایشان: «انتخابات مظهر حضور مردم است. انتخابات هم حق مردم و هم وظیفه مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند. نظام جمهوری اسلامی توانسته است، این حق را در اختیار مردم بگذارد؛ اما در گذشته ما این حق را نداشتیم. در نظام‌های گذشته، مردم از استفاده از چنین حقی محروم بودند» (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۸/۱۱/۲۶)). همچنین ایشان به نقش ویژه و مهم زنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی - اجتماعی جامعه اشاره می‌کند:

زنان باسواد، زنان آگاه، زنان با معرفت، در همه این میدان‌ها بایستی پیشروی کنند؛ الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و رقت‌ها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند؛ هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرّب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد. این می‌شود الگویی برای زنان... با همین نگاه بود که وقتی نهضت اسلامی به مرحله انقلاب اسلامی رسید و زنان با همان برداشت طبیعی که از اسلام در جامعه زنانه بود، جلو افتادند؛ امام فرمودند - و درست هم

فرمودند - که: اگر زنان در این نهضت همکاری نمی کردند، انقلاب هم پیروز نمی شد. یقیناً اگر زن‌ها در داخل خیابان‌ها و در راهپیمایی‌های عظیم حضور پیدا نمی کردند - آن حضور عظیم و باشکوه زنان در دوران انقلاب - انقلاب پیروز نمی شد. ... اگر مادران و همسران شهدا بی صبری نشان می دادند، شوق جهاد در راه خدا و شهادت در دل مردها می خشکید؛ این گونه نمی جوشید؛ این گونه به جامعه طراوت نمی داد. در میدان جنگ هم زنان نقش‌های درجه اول را ایفا کردند. اگر در طول انقلاب، وفاداری زنان، عواطف زنان، حضور زنان در میدان‌های مختلف، در راهپیمایی‌ها و در انتخابات‌ها نمی بود، یقیناً این حرکت عظیم مردمی نمی توانست این گونه شکل پیدا کند و ادامه یابد. این نظر اسلام است، این نظر نظام اسلامی است (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۶۰/۳۰).

موانع مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان

مشارکت سیاسی زنان را در یک دسته‌بندی کلی، در سه محور می توان مورد ارزیابی قرار داد:

مشارکت سیاسی قوه مجریه

در مورد شرایط تصدی پست ریاست جمهوری، اصل یک‌صد و پانزدهم قانون اساسی بیان می دارد: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور».

از بُعد قانونی، تصدی پست ریاست جمهوری به وسیله زنان هیچ گونه منع قانونی وجود ندارد؛ ولی با قید شرط از میان رجال مذهبی و سیاسی، دو دیدگاه موافقان و مخالفان ریاست جمهوری زنان مطرح می شود: الف) دیدگاه موافقین ریاست جمهوری زنان: موافقین ریاست جمهوری زنان، معنی رجال را شخصیت‌ها، نخبگان و بزرگان و ریاست جمهوری را وکالت و قدرت اجرایی می دانند نه ولایت و حکومت؛ ب) دیدگاه مخالفین ریاست جمهوری زنان: مخالفین ریاست جمهوری زنان، معنی رجال را مردان و ریاست جمهوری را نوعی ولایت و حکومت می دانند نه وکالت و قدرت اجرایی (ایزدی، ۱۳۹۹، صص. ۲۵-۲۶).

مشارکت سیاسی در قوه مقننه

بعد از انقلاب اسلامی، شاهد حضور چشمگیر زنان در مجلس شورای اسلامی هستیم. به دست آوردن پست ریاست مجلس شورای اسلامی از لحاظ قانونی هیچ منعی ندارد. در خصوص مشارکت زنان در شورای نگهبان که متشکل از شش فقیه و شش حقوقدان است. حضور زنان در این نهاد از لحاظ قانونی مجاز است.

مشارکت سیاسی در قوه قضائیه

همچنین مشارکت زنان در قوه قضائیه مجاز است. در این زمینه با توجه به اینکه قضات از میان مردان انتخاب می‌شوند، بنابر اصلاحیه مورخ ۱۳۷۴/۰۱/۲۹ تبصره ۵ اصل ۱۶۳ قانون اساسی: «زنان واجد شرایط می‌توانند همانند مردان در پست‌های مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های مدنی خاص، قاضی تحقیق، مستشاری اداره حقوقی انجام وظیفه نمایند». تنها محدودیت زنان در قوه قضائیه، ریاست دادگاه و صدور حکم است که قانون‌گذار این اختیار را به مردان داده است (اداره مطالعات امور زنان و خانواده، ۱۳۸۹).

موانع مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان عبارتند از: ۱. سابقه تاریخی و ذهنیت جامعه در تفاوت و تقابل حضور زن و مرد در جامعه؛ ۲. عوامل دینی و مذهبی، باوجود مجاز اعلام کردن مشارکت زنان به وسیله رهبران انقلاب اسلامی؛ ولی برخی فقها مشارکت زنان را مجاز نمی‌دانند؛ ۳. سنت‌ها و دیدگاه‌های مردسالارانه در جامعه؛ ۴. پایین بودن سطح سواد در برخی از مناطق کشور و پایین بودن میزان آگاهی نسبت به مردان برای دستیابی به جایگاه شایسته؛ ۵. وجود باورهای خرافی و فرهنگ سنتی مبنی بر ناپسند بودن اختلاط زن و مرد در جامعه (احمدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۲). ۶. تهدید و تحقیر شخصیت انسانی که نسبت به زنان اعمال می‌شود، باعث شده است تا زنان جامعه ما نسبت به توانایی خود ناباور شوند. ۷. وجود تضادهای فکری و اعتقادی بین عینیت‌های جامعه و حقایق آرمانی و مطلوب سبب شده است تا هدفمندی زندگی و معنا و مفهوم آن برای زنان در حاله‌ای از ابهام باشد. ۸. عدم تساوی یا عدالت جنسیتی بر اساس باورهای تعصب‌آمیز علیه زنان در زمینه‌های آموزش، بهداشت، اشتغال، حقوق فردی، اجتماعی و شهروندی و نهادینه شدن تبعیض علیه زنان از موانع پیش روی مشارکت زنان در اجتماع هستند. ۹. مشارکت اجتماعی زنان گاه با مسئله اشتغال آن‌ها یکسان تلقی می‌شود.

هرچند زنان به عنوان کارگر و کارمند در مؤسسات دولتی و غیردولتی کار می‌کنند؛ اما در کارهای گروهی، جمعی و مدیریتی به زنان بهایی نمی‌دهند (رضوی الهاشم، ۱۳۸۸، ص. ۶۹)؛ ۱۰. عدم اعتماد به نفس، روحیه انفعال و ترس از اظهار نظر در مجامع عمومی در میان زنان؛ ۱۱. تعداد قابل توجهی از زنان حوزه سیاست را متعلق به خود نمی‌دانند و به سودمندی مشارکت سیاسی واقف نیستند؛ ۱۲. ساختار سیاسی ایران پدرسالارانه است و جای کمی برای حضور زنان در این ساختار وجود دارد (دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۳).

موانع مشارکت سیاسی زنان را می‌توان در سه گروه فردی، خانوادگی و اجتماعی دسته‌بندی کرد. زمینه فردی بیشتر بر معیارهای درونی و ذهنی تأکید دارد. سطح سواد و نگرش به زن در زمینه‌های تاریخی و فرهنگی در این زمینه مؤثر است. در حوزه خانوادگی تربیت سنتی، تعداد فرزندان خانواده و طبقه اجتماعی مؤثر هستند. در زمینه اجتماعی، آموزش از طریق وسایل ارتباط جمعی و تبعیض موجود در جامعه تأثیرگذار هستند (شعبانی و یزدخواستی، ۱۳۹۳، ص. ۵۸). در مجموع اقداماتی در کشور باید صورت گیرد که موانع بر سر راه رسیدن زنان به سطح بالای مشارکت سیاسی در جامعه برداشته شود.

انتخابات دوازدهم مجلس شورای اسلامی

انتخابات مجلس دوازدهم نقطه مهمی را در فضای سیاسی کشور به‌ویژه در زمینه مشارکت و نمایندگی زنان رقم زد. در بسیاری از کشورها، زنان در طول تاریخ در نهادهای سیاسی کمتر حضور داشتند و با موانعی مانند هنجارهای اجتماعی، تبعیض و کمبود فرصت مواجه بودند. با این حال، انتخابات مجلس دوازدهم شاهد افزایش چشمگیر مشارکت سیاسی زنان بود که نشان دهنده شتاب فزاینده به سمت برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در عرصه سیاسی است. در انتخابات مجلس دوازدهم، زنان در حوزه‌های مختلف انتخاباتی و احزاب سیاسی فعالانه در مبارزات انتخاباتی، اطلاع‌رسانی رأی‌دهندگان و حمایت از برنامه‌ها و سیاست‌های مربوط به خود شرکت کردند. نامزدهای زن برای کرسی‌های پارلمان نامزد شدند و نقش‌های جنسیتی سنتی و کلیشه‌ها در سیاست را به چالش کشیدند. مشارکت آن‌ها نه تنها گروه نامزدها را متنوع کرد، بلکه توجه به مسائل جنسیتی، حقوق زنان و نگرانی‌های عدالت اجتماعی را که قبلاً در گفتمان سیاسی به حاشیه رانده شده بود، جلب کرد.

در دوره اول تا سوم مجلس ۴ زن، در دوره چهارم ۹ زن، در دوره پنجم ۱۴ زن، در دوره ششم ۱۳ زن، در دوره هفتم ۱۳ زن، در دوره هشتم ۸ زن، در دوره نهم ۹ زن و در دوره دهم ۱۷ زن به عنوان نمایندگان مردم در مجلس حضور داشتند. در انتخابات مجلس یازدهم، ۱۸ زن به مجلس شورای اسلامی راه یافتند و رکورد حضور زنان در ادوار مجلس است (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۲).

تاکنون در ۱۱ دوره مجلس شورای اسلامی، ۷۸ زن موفق به کسب ۱۱۱ کرسی در دوره‌های مختلف شده‌اند. فرایند انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری (۱۱ اسفند) برگزار شد و با پایان اعلام نتایج نهایی توسط ستاد انتخابات کشور طی روز - دوشنبه چهاردهم اسفندماه - ۲۴۵ نفر در مرحله نخست انتخابات، منتخب مردم شدند و انتخابات ۲۱ حوزه نیز برای تعیین ۴۵ نماینده دیگر به دور دوم کشیده شد؛ اما از بین ۲۴۵ نامزد راه یافته به مجلس دوازدهم شورای اسلامی، ۱۱ زن توانسته‌اند آرای لازم را برای حضور در بهارستان کسب کنند که این ۱۱ منتخب زن از ۹ استان هستند (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۲).

شاهد افزایش تعداد نمایندگان زن در مجلس و مشارکت آن‌ها در مذاکرات و مصوبات مجلس هستیم که این مسئله، خود نشان‌دهنده تحولی قابل توجه در میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان در جامعه است؛ ولی تعداد آنان نسبت به کل زنان شاغل در دیوان‌سالاری حکومتی و تعداد بانوان شاغل در دانشگاه‌ها و مراکز علمی جامعه بسیار پایین است (ازغندی، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۵).

مقایسه آماری تعداد نماینده زن در دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی

حضور زنان نماینده در مجلس شورای ملی در دوره پهلوی بعد از اعطای حق رأی به زنان و از دوره بیست و یکم مجلس در سال ۱۳۴۲ شروع شد و تا دوره بیست و چهارم در سال ۱۳۵۷، آخرین دوره این مجلس، ادامه یافت. در این چهار دوره جمعاً ۳۶ زن در ۵۰ کرسی حضور داشتند (ویکی‌پدیا، ۱۴۰۳/۱۱/۰۶).

تعداد نماینده زنان در مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی در دوره جمهوری اسلامی
۴	دوره اول
۴	دوره دوم
۴	دوره سوم
۹	دوره چهارم
۱۴	دوره پنجم
۱۳	دوره ششم
۱۳	دوره هفتم
۸	دوره هشتم
۹	دوره نهم
۱۷	دوره دهم
۱۶	دوره یازدهم
۱۴	دوره دوازدهم

(خبرگزاری اکو ایران، ۱۴۰۳/۰۲/۲۳).

در دوره پس از انقلاب اسلامی شاهد افزایش چشمگیر زنان در مجلس شورای اسلامی هستیم که در مجموع ۱۲۵ نماینده زن در مجلس حضور یافتند که این خود نشان‌دهنده افزایش مشارکت سیاسی زنان در دوره جمهوری اسلامی نسبت به دوره پهلوی است. همچنین از لحاظ فرهنگی رشد قابل توجهی در زمینه مشارکت سیاسی زنان، در دوره جمهوری اسلامی نسبت به دوره پهلوی صورت گرفته است. قبل از انقلاب، حضور زنان در عرصه‌های سیاسی محدود به وابستگان رژیم و افرادی بود که نظرات رژیم پهلوی را قبول

کرده بودند و با توجه به عدم تقید رژیم به آموزه‌های اسلام، اساساً عامه مردم دیدگاه خوبی نسبت به حضور زنان در زمینه‌های سیاسی نداشتند و خود زنان نیز به دلیل اعتقادات دینی از حضور در چنین زمینه‌هایی خودداری می‌کردند؛ اما پس از پیروزی انقلاب، ماهیت دینی و مذهبی حکومت موجب شد تا زنان با حفظ باورها و ارزش‌های دینی خود در عرصه سیاسی نیز، حضوری جدی داشته باشند و نه تنها خود آنان مانعی از این حیث احساس نمی‌نمودند، بلکه عموم مردم نیز دیگر دیدگاه بدبینانه سابق را درباره حضور سیاسی زنان نداشتند. به همین دلیل در انتخابات شوراها در بسیاری از موارد زنان حتی از مردان سبقت گرفتند که این مسئله نه تنها از نظر بلوغ و رشد سیاسی زنان قابل توجه است، بلکه از حیث تحول فرهنگی مذکور نیز قابل تعمق و تأمل است؛ در نتیجه به نظر می‌رسد که با روند موجود و کسب تخصص‌های بیشتر و همچنین کسب تجربه‌های عملی سیاسی و مدیریتی در آینده روند حضور زنان در مناصب سیاسی بیش از پیش، افزایش یابد (سایت مرکز انقلاب اسلامی، ۱۴۰۱/۰۷/۱۶).

نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی زنان در توسعه سیاسی، شاخصی مهم در فرایند توسعه پایدار محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی ایران، زمینه مساعدی را برای مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان فراهم کرده است. مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهرها و روستاها نسبت به دهه‌های گذشته و بعد از انقلاب اسلامی، افزایش یافته است. در جامعه حال حاضر کشورمان ایران، شاهد حضور زنان متخصص و شاغل در عرصه‌های گوناگون هستیم؛ ولی در عرصه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری به علت وجود موانع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، عرفی و سلیقه‌ای، پیشرفت چندانی در جامعه تحقق نیافته و زنان در پست‌های رده بالای سیاسی سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه حضور نداشته‌اند. با وجود اینکه تصدی این پست‌ها از حیث قانونی هیچ‌گونه منعی ندارد؛ ولی شاهد کاهش حضور زنان در این پست‌های کلیدی هستیم.

دوازدهمین دوره انتخابات شورای اسلامی، نقطه‌ای مهم در چشم‌انداز سیاسی ایران، به‌ویژه در زمینه مشارکت و نمایندگی زنان است. در جریان این انتخابات، کاندیداها و فعالان زن نقش برجسته‌ای در مبارزات انتخاباتی، اطلاع‌رسانی رأی‌دهندگان و حمایت از سیاست‌ها و

برنامه‌های سیاسی مربوط به جنس زنان داشتند. حضور آن‌ها در شورای اسلامی، دیدگاه‌ها، اولویت‌ها و تجربیات جدیدی را در روند قانون‌گذاری به ارمغان آورد و اهمیت صدای زنان در شکل‌دهی سیاست‌های فراگیر و عادلانه را برجسته کرد. افزایش مشارکت سیاسی زنان در دوازدهمین دوره انتخابات شورای اسلامی نشان‌دهنده شتاب فزاینده به‌سوی برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سیاست ایران است. نامزدهای زن نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی سنتی را به چالش کشیدند و از مسائلی گوناگون مربوط به زنان دفاع کردند. حضور آن‌ها در شورای اسلامی به ایجاد یک چشم‌انداز سیاسی متنوع‌تر، فراگیرتر و نماینده‌تر، غنی‌تر کردن بحث‌های سیاست‌گذاری و پیشبرد منافع زنان کمک کرد.

درحالی‌که پیشرفت‌هایی در افزایش مشارکت سیاسی زنان در ایران حاصل شده است، چالش‌ها و موانع در دستیابی به برابری جنسیتی کامل در سیاست وجود دارد. موانع ساختاری مانند، هنجارهای مردسالارانه و سوگیری‌های نهادی همچنان مانع پیشرفت زنان در نقش‌های رهبری سیاسی می‌شوند. تلاش‌های مستمر برای ارتقای برابری جنسیتی، توانمندسازی رهبران زن و ایجاد فضاهای سیاسی فراگیر برای ایجاد دموکراسی نماینده‌تر و عادلانه‌تر در ایران ضروری است.

منابع

- احمدی، سید محمد (۱۳۸۸). مشارکت سیاسی زنان در ایران غرب و اسلام. نشریه پژوهشنامه، ۴۲، ۱۱۷-۱۵۶. <https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/number/48060>
- اداره مطالعات امور زنان و خانواده (۱۳۸۹). کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در مسائل زنان. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران. تهران: انتشارات قومس.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم. (۲۲ جلدی)
- امینی، علی‌اکبر و خسروی، سید محمدعلی (۱۳۸۹). تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۲ (۷)، ۱۲۷-۱۴۲.

<https://ensani.ir/fa/article/260813>

- ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۹). نقد و بررسی ریاست جمهوری زنان. فصلنامه فقه و سیاست، ۱۱(۱)، ۷-۳۲. <https://doi.org/10.22081/ijp.2020.69252>

- بشیریه، حسین (۱۳۷۸). جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران (گفتارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی). تهران: انتشارات علوم نوین.

- بشیریه، حسین (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نشر نی.

- پناهی، محمدحسین و بنی فاطمه، سمیه السادات (۱۳۹۴). فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان. فصلنامه علوم اجتماعی (علامه طباطبایی)، ۲۲(۶۸)، ۷۸-۳۵.

<https://doi.org/10.22054/qjss.2015.1280>

- پناهی، محمدحسین و کامل قالیباف، آتنا (۱۳۹۹). راهبردهای مشارکت سیاسی در میان فعالان زن، معلم، دانشجو و کارگر. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۷(۹۱)، ۱۱۳-۱۵۶.

<https://doi.org/10.22054/qjss.2021.53810.2267>

- ثاقب، حمیرا (۱۴۰۰). مشارکت سیاسی زنان افغان. فصلنامه پژوهش‌های زنان، ۱۳(۴)، ۱۷-۱۳.

- جعفری، حسین و قربان نیا، ناصر (۱۳۸۸). زنان و حق تصدی مناصب عمومی. فصلنامه علمی-ترویجی بانوان شیعه، ۶(۱۹)، ۱۲۹-۱۶۰. <https://ensani.ir/fa/article/225066>

- چابکی، ام‌البنین (۱۳۸۱). نقش عوامل روان‌شناختی در مشارکت سیاسی زنان. فصلنامه علوم اجتماعی، ۹(۱۹)، ۱۰۷-۱۳۵. [dor: 20.1001.1.17351162.1381.9.19.5.7](https://doi.org/10.22054/qjss.2021.53810.2267)

- حسینی، موسی (۱۳۸۰). دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زنان. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ۷(۲۵ و ۲۶)، ۱۷۰-۱۸۳. https://jqr.isca.ac.ir/article_22333.html

- خبرگزاری اکو ایران (۱۴۰۳/۰۲/۲۳). بیشترین و کمترین دوره حضور زنان در مجلس.

<https://ecoiran.com-107/63314>

- خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۲/۱۲/۱۴). زنان منتخب مجلس دوازدهم را بهتر بشناسید/ ۷ نفر منتظر نتایج اردیبهشت. <https://www.irna.ir/news/85406744>

- خبرگزاری ایسنا (۱۴۰۲/۱۰/۱۹). تفکیکی از اقشار مختلف؛ تأیید صلاحیت زنان ۳ برابر کرسی‌های مجلس. <https://www.isna.ir/news/1402101913346>

- خراسانی پاریزی، ابراهیم و یوسفی بزنجانی، ابراهیم (۱۳۹۵). مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات ماه واره.
- خواجه‌نوری، بیژن و مقدس، علی‌اصغر (۱۳۸۶). جهانی شدن و مشارکت سیاسی زنان در ایران. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی، ۴ (۱۰)، ۴۵-۷۲.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/951484>
- دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی (۱۳۹۱). اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده. تهران: انتشارات پیام عدالت.
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۹/۶/۳۰). بیانات در دیدار جمعی از بانوان. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3024>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۸/۱۱/۲۶). بیانات در دیدار کارگزاران حج. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2994>
- رضوی آل هاشم، بهزاد (۱۳۸۸). تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرایند توسعه سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران. ۲۱، ۶۰-۷۳.
- <https://ensani.ir/fa/article/137072>
- زنجانی‌زاده، هما (۱۳۸۱). مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، چالش‌های نوین. فصلنامه علوم اجتماعی، ۹ (۱۹)، ۸۹-۱۰۶. [doi: 20.1001.1.17351162.1381.9.19.4.6](https://doi.org/10.17351/162.1381.9.19.4.6)
- شریعتی، روح‌الله (۱۳۹۹). استقلال سیاسی زنان در مشارکت سیاسی. فصلنامه علوم سیاسی باقرالعلوم، ۲۳ (۸۹)، ۷۷-۸۹. <https://doi.org/10.22081/psq.2020.69262>
- شعبانی، زینب و یزدخواستی، بهجت (۱۳۹۳). پایین بودن آگاهی و مشارکت سیاسی زنان. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، ۴ (۹)، ۵۱-۶۵. https://prj.ui.ac.ir/article_20458.html
- شمس‌الدین، محمد مهدی (۱۳۸۸). حدود مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام، ترجمه محسن عابدی، تهران: انتشارات بعثت.
- عابدی اردکانی، محمد و عظیمی، پروین (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی دیدگاه‌های جریان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب نسبت به مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۷۶). فصلنامه پژوهش سیاست‌نظری، ۱۲، ۹۳-۱۱۹.
- <https://www.google.com/search?q>

- عباس‌نیا، اکرم و مصفا، نسرين (۱۳۹۰). مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه توانمندسازی زنان در دوره (۱۳۸۴-۱۳۷۵). *فصلنامه تحقیقات زنان*، ۵ (۱)، ۳۳-۳۰.

<https://ensani.ir/fa/article/304230>

- علم، محمدرضا، حمیدی نسب، منا و حزباوی، سمیره (۱۳۹۰). زنان و مشارکت سیاسی. *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، ۳ (۹)، ۹۹-۱۰۹. <https://ensani.ir/fa/article/433259>

- فاطمی، عباس (۱۳۸۴). تأملی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان قبل و بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۸۰-۱۳۳۲)، تهران: انتشارات رمز.

- فوزی، یحیی (۱۳۸۷). زنان و حکومتی در ایران: بررسی پیامدهای گفتمان انقلاب اسلامی در مورد جایگاه سیاسی - اجتماعی زنان در ایران، *پژوهشنامه متین*، ۱۰ (۳۹)، ۴۷-۶۰.

[dor: 20.1001.1.24236462.1387.10.39.3.2](https://doi.org/10.24236/462.1387.10.39.3.2)

- قاسمی، حاکم و معالی، فاطمه (۱۳۹۳). عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان (بررسی عوامل محدود ماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی از دیدگاه زنان).

پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۰ (۱)، ۱۲۴-۱۵۶. [dor: 20.1001.1.1735790.1393.10.1.5.2](https://doi.org/10.1735790.1393.10.1.5.2)

- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳). *چالش‌های توسعه سیاسی*. تهران: انتشارات قومس.

- کار، مهرانگیز (۱۳۷۸). رفع تبعیض علیه زنان مقایسه کنوانسیون جهانی رفع تبعیض از زنان با قوانین داخلی ایران. تهران: انتشارات توانا.

- کاوه تلاوکی، مسعود، جعفری، انوش و عباسی، سمیه (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در دوران مشروطیت، پهلوی و جمهوری اسلامی ایران. *مجله مطالعات*

جامعه‌شناختی جوانان، ۵ (۱۶)، ۱۰۷-۱۲۲. <https://www.magiran.com/p1390114>

- کولایی، الهه و قد بیگی، فاطمه (۱۳۹۷). زنان و مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی. *مجموعه مقالات همایش بزرگداشت بانوی انقلاب اسلامی*.

<http://www.imam-khomeini.ir/fa/n142474>

- گلایی، فاطمه و حاجیلو، فثانه (۱۳۹۱). تأثیر خانواده بر مشارکت سیاسی زنان. *فصلنامه زن و جامعه*، ۳ (۱۱)، ۳۱-۵۶. [dor: 20.1001.1.20088566.1391.3.11.2.0](https://doi.org/10.24236/466.1391.3.11.2.0)

- ماشینی، فریده (۱۳۸۶). زنان و تجربه مشارکت سیاسی. *فصلنامه آیین*، ۸، ۶۶-۷۱.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/250053>

- مرکز انقلاب اسلامی (۱۴۰۱/۰۷/۱۶). تحولات حقوق سیاسی زنان بعد از پیروزی انقلاب.

<https://irdc.ir/fa/news/8092>

- مصفا، نسرین (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- نظری، مینا، علی حسینی، علی، امام جمعه زاده، سید جواد و پوررنجبر، مهدیه (۱۳۹۳). بررسی رابطه جامعه پذیری و مشارکت سیاسی زنان، پژوهشنامه زنان، ۵ (۹)، ۱۶۱-۱۸۵.

https://journals.ihcs.ac.ir/article_1168.html

- ویکی پدیا (۱۴۰۳/۱۱/۰۶). زنان در مجلس شورای ملی. <https://fa.wikipedia.org/wiki>

